

عقد پیمان استراتژیک یا تنگتر شدن حلقه ی اسارت افغانستان

از چندی به اینطرف، هنگامه های ناشی از تقاضای مقامات امریکایی غرض تأسیس پایگاه های دایمی نظامی در خاک افغانستان، در سطح داخلی و منطقه یی بالا گرفته بحث ها، تبصره ها و نگرانی های سیاسی و آینده نگرانه یی را در میان مردم افغانستان برانگیخته است. این تقاضای جانب امریکا اگر به تحقق بپیوندد (که خواهد پیوست)، نخستین حادثه ی سیاسی - نظامی از نوع خودش، در درازای تاریخ کشورما بحساب خواهد رفت و برای رژیم های منطقه، بخصوص چین، ایران و روسیه، با در نظر داشت منافع خاص شان سخت نگران کننده خواهد بود.

اگر از کنش ها و واکنشهای همسایه های افغانستان، بخصوص از نگرانی های دو قدرت بزرگ اتمی آسیا (چین و روسیه) در حال و آینده بگذریم که برای افغانستان درد سر ساز و خطر آفرین خواهد بود، ناگزیریم اندک مکثی در بُعد داخلی این قضیه داشته باشیم تا لااقل گوشه ی کوچکی از این تحرک مهم و بی سابقه ی ابرقدرت امریکا در خاک افغانستان روشنتر گردد:

بحث و نظر افراد و جناح های مختلف روی این قضیه ی مهم ملی هرچه باشد، این نکته را هرگز نمیتوانیم نا دیده انگاریم که افغانستان از نگاه موقعیت خاص ژئوپولتیکی، اُفت دردناک اقتصادی، حالت لرزان ناشی از جنگ دراز مدت، ضعف و فتور نظامی و دفاعی اش و بالاخره با ارزشهای خاص ژئواستراتژیکی و اخیراً هم، کسب اهمیت ژئواکونومیک در منطقه، شامل شدن در حلقه ی هرنوع پیمان نظامی و یا پذیرش پایگاه های نظامی (آنهم دایمی) ابرقدرتهای جهان در این خطه، درحقیقت، توازن سیاسی - نظامی منطقه را برهم زده افغانستان را بگونه ی ناگهانی، در گردابی از فعل و انفعالات چند جانبه و برهم زننده ی سیاسی، نظامی، اقتصادی، استخباراتی پرتاب خواهد نمود. بخصوص در روزگاریکه متأسفانه افغانستان از وجود کادرهای فنی، مسلکی، دیپلماتیک، حقوقی و اجرایی بقدرکافی تهی شده و از حضور یک دولت مرکزی قوی، کارا، ملی، با اتوریته و مستقل محروم گردیده است.

باساس چنین ملحوظات و ناگزیری های ملموس ژئوپولیتیک افغانستان بود که از یکطرف دو ابر قدرت مطرح زمان (روسیه و انگلیس) در دو قرن رفته، این کشور را بمثابه ی "بفرستیت" یا سرزمین حدفاصل میان خود شان قرار دادند و از سوی دیگر، سلاطین افغانی نیز با وجود آنکه در

دایره ی زمانی متذکره ، دست نشانده، خونریز و مطیع اجنبی بودند، با آنهم، صلاح کار را در حفظ بیطرفی افغانستان و عدم عقد پیمان نظامی با قدرتهای (شرقی یا غربی) میدانستند تا بهانه یی برای جهانخواران بیبک روزگار نداده باشند. (البته در اینجا، چاکرپیشه گی، سرکوب های خونین، استعداد گشی ها و در انزوا نگهداشتن دردناک و دراز مدت افغانستان توسط امیران دست نشانده عجالتاً مورد نظر ما نیست.)

باز و بهمین روال بود که رژیم سلطنتی ظاهر خان ، عضویت جنبش عدم انسلاک را که در سالهای پنجاه و شصت قرن رفته به ابتکار مردان خردمندی مانند نهرو، تیتو، سوکارنو و جمال ناصریمیان آورده شد، حاصل کرد و این موقعیت بیطرفی افغانستان تا روز وقوع کودتای ثور سال 1357 خورشیدی ادامه داشت. دولت وقت افغانستان در دهه ی شصت قرن گذشته ، مادامکه مقامات امریکایی ، اقدام به تأسیس پیمان سنتوبخاطر محاصره ی نظامی – ایدئولوژیک شوروی نمود و از دولت افغانستان خواستند تا در این پیمان شامل شود، علی رغم آنکه حصول عضویت آن، منفعت های عظیم علمی و مالی و نظامی را متوجه کشور ما میساخت ، از سوی دولتمداران افغانی رد شد. درپیمان مذکور، ممالک عراق، ایران، ترکیه ، پاکستان، بریتانیا و امریکا شامل بودند.

تا آنجا که در هفته های اخیر خبرها و گزارشات داخل افغانستان میرسانند، حامد کرزی رییس جمهور کشور، گویا از یکطرف مشغول بگو مگو و چانه زنی با مقامات امریکایی روی توافق نامه ی پیمان استراتژیک میباشد و از سوی دیگر، با آنکه پارلمانی ولوبا نقایص و کمبود های عدیده در کابل وجود دارد، کمسیون سی عضوی دیگری را مؤظف نموده تا امور مربوط به عقد چنین پیمان مهم را رو به راه سازند. گزارشات منابع مؤثق همچنان گفتند که اخیراً سفارت امریکا در کابل، وجه یکصد و پنجاه ملیون دالر را غرض توزیع و تقسیم برای عده یی از وکلا، منتفدین قومی ، سران تنظیم ها و کارمندان بلند رتبه ی دولتی اختصاص داده است تا بدین وسیله توجه، موافقت و رضایت آنان پیرامون امضای توافقنامه ی مربوط به (پیمان استراتژیک) حاصل آید. حال، صرف نظر از اینکه اعضای کمسیون مورد نظر حامد کرزی چقدر از صلاحیت ها و توانمندیهای علمی و مسلکی برخوردار هستند تا مواد توافقنامه را ذره ذره مورد ارزیابی و موشگافی مستقلانه ی مسلکی قرار دهند، دربرابر استدلال آنانیکه میگویند "تأسیس پایگاه های نظامی امریکا دربرابر تروریسم طالبان و القاعده و تأمین امنیت به نفع ماست" ، باید پرسید که وقتی امریکا و متحدین آن با یکصد و پنجاه هزار سرباز مجهزو مسلح جنگی، آنهم درپرتو پیشرفته ترین تکنالوژی نظامی وبا مخارج گزاف مالی ، ظرف ده سال تمام نتوانستند و یا نخواستند گروهک های مسلح تروریستی و حامیان خارجی آنها را سر جای شان بنشانند، آیا از درون چند دژ محاصره شده با سیم های خار دار و دیوارهای کانکریتی خواهند توانست گروهی

را که ظرف ده سال اخیر با بکارگیری سیاست های غلط بحد کافی تشجیع و تجهیز کرده و روحیه بخشیده اند، شکست داد و امنیت مملکت را تأمین کرد؟ باز، از کسانی که ادعا میکنند که "موجودیت پایگاه های نظامی و حضور سربازان امریکایی در چند کشور جهان بسیار مفید بوده اند"، باید پرسید که دولت موجوده ی افغانستان درحالت اسارت سیاسی و دست نگری و فرمان برداری از امریکا، آیا قدرت، صلاحیت و جرأت آنرا خواهد داشت تا در توافقنامه یی که می خواهد به امضا برساند، بجانب امریکا تحمیل کند که افسران و سربازان امریکایی هرگز نمیتوانند در خاک افغانستان دست به اعمال ضد اخلاقی، ضد ملی، ضد سنت ها و عنعنات افغانی بزنند؟ آیا دولت کرزی خواهد توانست بجانب امریکا بقبولاند که هرگاه افسر یا سرباز امریکایی مرتکب جرم یا جنایت گردد، دولت افغانستان حق دارد مجرم و جنایتکار امریکایی را در محاکم داخلی افغانستان محاکمه نماید؟ آیا چنین ماده یی در توافقنامه ی دوجانبه گنجانیده خواهد شد که نیرو های امریکایی موازی با تأمین امنیت کشور، در روزهای بد و وقوع حوادث ناگوار نظامی، طبیعی و امنیتی در کنار مردم افغانستان خواهند ایستاد؟ آیا جانب امریکا رسماً و کتباً خواهد پذیرفت که از پایگاه های دائمی نظامی اش برضد هیچ همسایه ی افغانستان استفاده نخواهد کرد؟ آیا خریداری های مورد نیاز نیرو های امریکایی که سر به ملیونها دالر در سال خواهد زد، حتی المقدور از بازار های داخلی افغانستان تهیه خواهد شد؟ آیا این نیرو ها مکلف به پرداخت تکس و مالیه و محصول گمرکی و . . . خواهند بود؟ آیا پذیرفته خواهد شد که پایگاه های نظامی امریکا، به کانون فساد اخلاقی، سیاسی و استخباراتی و همچنان به مراکزسازشها و بازیهای ضد منافع ملی مردم افغانستان و به زندانهای مردم این کشور مبدل نخواهند شد؟ آیا دولت آقای کرزی این جرأت و صلاحیت را خواهد داشت تا در متن توافقنامه یی که می خواهد به امضا برساند، این موضوع را به صراحت و شفافیت بگنجانند که تمام افراد نظامی و غیر نظامی امریکا که در داخل و خارج پایگاه های نظامی بکار مشغول میشوند، مکلف خواهند بود قوانین نافذه ی مملکت را رعایت و احترام نموده در امور دولتی و سرنوشت ملی مردم افغانستان مداخله نکنند؟ و بالاخره، آیا در برابر صدور اجازه برای تأسیس پایگاه های نظامی در خاک افغانستان، چه امتیازات مادی و سیاسی و نظامی به جانب افغانستان تعلق خواهد گرفت؟ و سرانجام، این پایگاه ها تا چه مدتی پا برجا خواهند ماند؟

درپایان باید با صراحت کامل علاوه نمود که چون افغانستان ملکیت مسلم ملت آزاده ی افغانستان است، چنانکه همین ملت آزاده و سر بلند در درازای تاریخ، با فدا کردن جان و مال خود و عزیزان خود از وجب و جب خاک آن در برابر متجاوزین خارجی دفاع نموده است، بنابراین، حق دارد اولاً در روشنی کامل این مذاکرات و تفاهمات قرار داشته باشد و دوماً به ملت افغانستان این حق و فرصت داده شود تا حرف حرف متن توافقنامه را بررسی نمایند و سوماً، حق دارند حضور دائمی چنین

مهمانان مسلح را بپذیرند و یا رد نمایند. یعنی حامد کرزی، وزرا و وکلایش هرگز نباید در غیاب ملت افغانستان، در میان اغتشاش فکری و عدم شفافیت سیاسی، بصورت عاجل، یک جانبه و خود سرانه درچنین مورد مهم ملی تصمیم بگیرند. دولتمردان افغانستان نباید فراموش کنند که تأسیس پایگاه های نظامی امریکا در خاک افغانستان، به هیچصورت نیاز مردم افغانستان نیست، بلکه طرف تقاضا و نیاز استراتژیک ایالات متحده ی امریکا میباشد. پس هشیار باید بود تا عقیق با خر مُهره معامله نشود.

(پایان)